

تأملی بر ماهیت میان‌رشته‌ای دانش حوزه کارآفرینی:

معیارها و وضعیت جاری

قنبر محمدی الیاسی*

تاریخ ارسال: ۹۶/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۹

چکیده

بحث «ماهیت میان-رشته‌ای» یکی از مقوله‌های کلیدی مرتبط با ماهیت دانش کارآفرینی است. بخش عمده‌ای از کیفیت و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و آفرینشی حوزه کارآفرینی تابع توجه به نوع و ماهیت دانش کارآفرینی می‌باشد. تأمل عمیق در خصوص نوع و ماهیت دانش کارآفرینی برای ارتقاء اثربخشی فعالیت‌های این حوزه اهمیت شایانی دارد. درباره کیفیت میان-رشته‌ای بودن دانش کارآفرینی دو نوع نگاه وجود دارد: کارآفرینی به مثابه پیکره‌ای از دانش پراکنده و نامرتبط، کارآفرینی به مثابه پیکره‌ای از دانش میان رشته‌ای نابالغ. با توجه به این نوع نگاه‌ها، در این مقاله‌ی "مروری/تحلیلی" تلاش می‌شود سئوال زیر مورد تأمل قرار گیرد: بر اساس چه معیارهای می‌توانیم ماهیت میان رشته‌ای بودن دانش کارآفرینی را مورد ارزیابی قرار دهیم؟. چهار معیار برای قضاوت درباره میان-رشته‌ای بودن دانش کارآفرینی مورد استفاده قرار گرفته است: موضوع، خاستگاه، انسجام و هدف دانش کارآفرینی. ارزیابی تحلیلی وضعیت دانش کارآفرینی بر اساس معیارهای مورد اشاره نشان می‌دهد که این حوزه از ویژگی میان رشته‌ای بودن برخوردار است. اما نیاز به رشد و تکامل جدی به ویژه در معیار «انسجام دانش» دارد.

مفاهیم کلیدی: ماهیت میان رشته‌ای کارآفرینی؛ انسجام دانش کارآفرینی؛ تفکر میان رشته‌ای در کارآفرینی.

* دانشیار دانشکده کارآفرینین دانشگاه تهران belyasi@ut.ac.ir

مقدمه

شناخت کارآفرینی به عنوان حوزه علمی نوظهور و یا «پدیده‌ای چند وجهی و مفهومی چند بعدی»، (Rocha, birkinshaw, 2007:8) یک دغدغه فکری جذاب و سؤال برانگیز می‌باشد. سهراب سپهری شاعر خیال پرداز ایران زمین (افشار، ۱۳۸۸) می‌گوید: «هنوز جنگل ابعاد بی‌شمارش خودش را نمی‌شناسد.» تأمل در پرتو استعاره‌ی «دانش کارآفرینی به مثابه یک جنگل» پرسش‌هایی را بر ما آشکار می‌سازد: آیا ماهیت دانش کارآفرینی مشخص است؟ دانش کارآفرینی از کجا بوجود آمده و اندیشه‌های آن چگونه به هم پیوند خورده‌اند؟ اوضاع و احوالش چگونه است؟ و به کجا می‌رود؟ به هر حال این‌گونه موارد، بخشی از دغدغه‌ها و کنجکاو‌هایی می‌باشند که در قلمرو معرفت-شناسی برای کمک به پویایی و تکامل دانش کارآفرینی مطرح هستند، چرا که به چگونگی پیدایش و سامان‌دهی دانش کارآفرینی توجه دارند.

به «فرایند ایجاد کسب‌وکار» توسط کارآفرینان (Gartner, 1985) با نگاه نوآوری (Schumpeter, 1943) جهت ایجاد ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی (Porter and Kramer, 2011) در پرتو نظام ارزش‌های جامعه (الیاسی، ۱۳۸۷) کارآفرینی گفته می‌شود. کارآفرینی یکی از حوزه‌های علوم اجتماعی است که اندیشمندان علاقه مند تلاش بسیاری جهت شناخت بن‌مایه‌های فکری - نظری آن از ابعاد گوناگون شامل: ضرورت و کارکردهای آن در سطوح تحلیل مختلف (shane and venkataraman, 2000)، سیر تاریخی تکامل اندیشه‌های آن (Casson And Casson, 2013)، ماهیت رشته‌ای (Frese, 2000)، چالش‌های نظریه‌پردازی (Bygrave, & Hofer, 1991)، روش‌شناسی-ها (Bygrave, 1989)، موضوع (الیاسی، ۱۳۸۷) و نظریه عمومی (shane, 2003) دارند.

اندیشمندان و پژوهشگران علاقمند به حوزه کارآفرینی، تلاش می‌کنند تا به صورت ضمنی و یا آشکار ماهیت، ابعاد و حدود آن را به خوبی بشناسند. کاربردها یا همان شیوه انجام «فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و سیاست‌گذاری‌های» حوزه کارآفرینی تابع ماهیت و چگونگی پیدایش و سامان‌دهی دانش این حوزه می‌باشد. با توجه به شرح موصوف، شناخت نوع و ماهیت دانش کارآفرینی یکی از دغدغه‌های با اهمیت برای اندیشمندان این حوزه می‌باشد. بحث ماهیت دانش حوزه کارآفرینی از منظری به دغدغه

و کنجکاوی معرفت‌شناسی خاصی به نام «چگونگی پیدایش و سامان‌دهی دانش کارآفرینی» می‌پردازد؛ به بیانی دیگر موجودیت‌ها و بخش‌های گوناگون دانش کارآفرینی چه خاستگاه فکری - نظری دارند؟ این حوزه چگونه و به چه میزانی دانش سایر حوزه‌های معرفتی را اخذ و اقتباس نموده است؟ دانش‌های اخذ و اقتباس شده از سایر حوزه‌های معرفتی در قلمرو کارآفرینی چه ارتباطی با هم دارند؟ در این خصوص عمدتاً دو دیدگاه مختلف به شرح زیر وجود دارد:

دیدگاه اول: کارآفرینی به عنوان قلمرویی با مفاهیم گسترده و غیرمرتبط

منتقدان حوزه کارآفرینی با استفاده از استدلال‌های استعاره‌ای از قبیل: «رقص آفتاب-پرست^۱» و «گنج‌های از اشیاء عمومی و غیرمرتبط^۲»، چگونگی چیدمان و سامان‌دهی دانش کارآفرینی را تشریح کرده‌اند. بر اساس استدلال «کارآفرینی به مثابه رقص آفتاب‌پرست» (sadler,2000)، این نظر وجود دارد که دغدغه‌های علمی - پژوهشی حوزه کارآفرینی با توجه به شرایط تأثیرگذار مختلف، مستمراً در حال دگرگونی هستند. دغدغه‌های جدید و متفاوتی با توجه به تجربه و رشته علمی محققان در این عرصه مطرح می‌شوند؛ مفاهیمی از قبیل: کارآفرینی اقتصادی، کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی سیاسی، کارآفرینی فناورانه، و غیره. همچنین وضعیت دانش کارآفرینی در قرن بیستم همانند یک گنج سرشار از اشیاء غیرمرتبط یا همان «عناوین و مفاهیم گسترده و پراکنده» (Acs and Audretsch,2003:3)، "ظرفی سرشار از موجودیت‌های درهم و برهم" (Shane and Ventakaraman,2000) است که قرار گرفتن چنین مفاهیمی تحت یک عنوان علمی به نام «حوزه کارآفرینی» نادرست می‌باشد. مفاهیمی که انسجام مناسبی بین مفروضات، واحدها و سطوح تحلیل آن‌ها وجود ندارد، به بیانی دیگر مفاهیم، نظریه‌ها و چارچوب‌های اقتباسی از سایر حوزه‌های علمی، چنان گوناگون و متنوع هستند که از مفروضات، واحدها و سطوح تحلیل متفاوتی برخوردار هستند (Rocha and Birkinshaw,2007:33). بنابراین چون «انسجام و یکپارچگی دانش^۳» در اینگونه چیدمان‌ها وجود ندارد، لذا این حوزه از خاصیت تفکر میان‌رشته‌ای تهی است. پس اطلاق عنوان «یک حوزه علمی جدید میان‌رشته‌ای» به آن، یک خطای فکری آشکار محسوب می‌شود.

دیدگاه دوم: کارآفرینی به عنوان قلمرویی با ماهیت میان‌رشته‌ای

از سوی دیگر، عده‌ای از اندیشمندان (Casson, 1982; Bygrave, 1989)، به صورت ضمنی بر ماهیت میان‌رشته‌ای دانش کارآفرینی تأکید دارند. کارآفرینی در پرتو «استعاره‌ی نوشیدنی ترکیبی» بیان می‌کند که بسیاری از نوشیدنی‌های خنک و آرامش‌بخش از طریق ترکیب کردن عصاره میوه‌ها و گیاهان گوناگون تهیه می‌شوند. پس از ترکیب عصاره‌ها و در هنگام مصرف، ایجاد تمایز آشکار بین طعم‌های موجود در «عصاره واحد» بسیار سخت است، چون موجودیت متمایزی شکل گرفته است (Repko, 2011:17). در پرتو این نوع نگاه، آنها معتقد هستند که «دانش حوزه کارآفرینی»، از ویژگی جوان بودن و با ماهیت «میان‌رشته‌ای» برخوردار است که وجود و بکارگیری مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌های مختلف از سایر رشته‌های علمی در پرتو منطقی خاص، علامت و نشانه‌ی آغازین و مقدماتی «میان‌رشته‌ای بودن»^۴ آن محسوب می‌شود (Herron et al, 1992).

از منظر تاریخی و غیررسمی، عمر حرفه کارآفرینی به قدمت تاریخ کسب‌وکار است و کارآفرینان و کسب‌وکارها در طی قرن‌ها، در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم نقش‌آفرینی داشته‌اند. تاریخ دانش کارآفرینی بر اساس مفاهیم آغازین، به رشته اقتصاد تعلق دارد (Fayolle, 2007). پیدایش کارآفرینی به عنوان یک دانش مکتوب با افکار کانتیون (Cantillon, 1755) درباره اقدام واسطه‌گرها به خرید کالاها و فروش جهت کسب سود شکل گرفته است. دانش کارآفرینی از دهه‌های ۸۰-۱۹۷۰ جهت تبدیل شدن به یک حوزه دانشگاهی مستقل به فراسوی مرزهای علم اقتصاد حرکت کرد و با این عمل، رگه‌ها و جلوه‌هایی از پایگاه و خاستگاه میان‌رشته‌ای برای آن مطرح گردید.

کیسن (Casson, 1982:2) بیان می‌کند که کارآفرینی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است که با اندیشه‌های علم سیاست، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ کسب‌وکار، بازاریابی و مالی ارتباط دارد. بر اساس این دیدگاه، کارآفرینی به عنوان یک حوزه فکری نسبتاً جوان (Cooper, 2003)، از طریق بکارگیری روش‌ها و نظریه‌های سایر حوزه‌های علمی بوجود آمده و هنوز برای بسیاری از دغدغه‌ها و کنجکاوی‌هایش از نظریه‌های سایر رشته‌ها شامل: روان‌شناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، زیست‌شناسی، ریاضی، مدیریت و... استفاده می‌کند؛ به بیانی دیگر، رگه‌ای از ماهیت میان‌رشته‌ای را به خود گرفته است (Acs and Audretsch, 2003:3). تعدادی از اندیشمندان ضمن تأیید ماهیت

میان‌رشته‌ای و لزوم تسهیل در توسعه دانش کارآفرینی از این منظر، با نگاه انتقادی معتقدند که این حوزه در فضای پراکندگی دانش قرار دارد، به بیانی دیگر گرچه دانش‌های موجود در حوزه کارآفرینی از وادی‌های گوناگون اخذ و اقتباس شده‌اند، اما هنوز از انسجام و یکپارچگی لازم برخوردار نیستند (Wortman, 1987) و این وضعیت موجب تأخیر در توسعه علمی و کندی شکل‌گیری مقبولیت حرفه‌ای-علمی آن می‌شود. براساس این نوع نگاه، گرچه حوزه علمی کارآفرینی اساساً دارای ماهیت میان‌رشته‌ای است، اما در حال حاضر پراکندگی دانشی بر این قلمرو غالب است و هنوز به «انسجام دانشی» به عنوان یکی از معیارها و وجوه تفکر میان‌رشته‌ای دست نیافته است.

با توجه به بحث‌های مورد اشاره در خصوص ماهیت دانش کارآفرینی، پرسش‌های معرفت‌شناختی متعاقب مطرح می‌شوند که: دانش کارآفرینی از چه ماهیتی برخوردار است؟ آیا موجودیتی درهم و برهم و سرشار از مفاهیم پراکنده و ناهمگن می‌باشد؟ یا اینکه به عنوان یک «حوزه علمی» برخوردار از ویژگی میان‌رشته‌ای مطرح است و توانسته خود را به عنوان یک کل یکپارچه و متمایز به نام حوزه کارآفرینی به جوامع مشتاق عرضه نماید؟ در این نوشتار تلاش می‌شود ادعای «ماهیت میان‌رشته‌ای دانش کارآفرینی» در پرتو «رویکرد کنش اجتماعی» توضیح داده شود.

علم میان‌رشته‌ای: تاریخچه، تعریف و ابعاد

دیدگاه‌های متفاوتی درباره معنا و هدف «مطالعات میان‌رشته‌ای» وجود دارد. بحث میان‌رشته‌ای از دو منظر «معرفت‌شناسی و نهادی» کانون توجه است. منظر اول به چگونگی سامان‌دهی دانش و منظر دوم به تحول و دگرگونی در ساختارها و ارزش‌های نهادهای آموزشی و پژوهشی مرتبط با دانش میان‌رشته‌ای اشاره دارد. علم در وضعیت اولیه «کلی و وحدت یافته» و یا به بیانی دیگر به عنوان «معرفت عمومی» مطرح بود. در گام دوم و به تدریج پیکره علم به سوی رشته‌های تخصصی حرکت کرد. در گام سوم جنبش‌هایی جهت ایجاد وحدت و ارتباط جزئی بین حوزه‌ها و رشته‌های تخصصی و پراکنده بوجود آمد که در قالب واژگان «حوزه چند رشته‌ای»، «حوزه میان‌رشته‌ای»، «حوزه فرا رشته‌ای»^۵ متداول گشته است (klein, 1990:19).

رسمیت یافتن و پذیرش رشته‌های روان‌شناسی در دوره ۱۸۶۰-۱۸۸۰، تاریخ در سال ۱۸۸۴، اقتصاد در سال ۱۸۸۵، جامعه‌شناسی در سال ۱۹۰۵، مدیریت در سال

۱۹۱۰، کارآفرینی در دهه ۱۹۷۰، شواهد و نمونه‌هایی از حرفه‌ای شدن دانش در قرن‌های نوزدهم و بیستم می‌باشد و به همین دلیل این دوره را «زمانه تخصص‌گرایی» می‌نامند. اما از سوی دیگر، همکاری بین رشته‌های مستقل و تخصصی با هدف بکارگیری دانش‌های گوناگون از سایر حوزه‌ها جهت تشخیص و حل مسائل چند وجهی و پیچیده نیز به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر نمایان گشت. این نوع نگاه موجب حرکت تدریجی به سوی «وحدت جزئی- بخشی در معرفت» گردید (Klein, 1990:22). بر اساس همین نوع نگاه خاص و محدود، تفکر و مفهوم «تعاملات معنادار» بین حوزه‌های تخصصی مطرح گردید که نگاه میان‌رشته‌ای درباره مسائل پیچیده، چند وجهی و پویا یکی از انواع تعاملات معنادار بین حوزه‌های تخصصی می‌باشد.

بر اساس دیدگاه جو مورن (Moran, 2002)، میان‌رشته‌ای به یک نوع تعامل و گفت‌وگو میان دو یا چند رشته اشاره دارد. مفهوم میان‌رشته‌ای از ترکیب دو مفهوم «رشته» به معنی مجموعه‌ای از دانش مرتبط با یک موضوع خاص و پیشوند «بین» به معنی برقراری ارتباط بین ساختارهای دانشی اشاره دارد. نیوبولد (Newbould, 1975) معتقد است که میان‌رشته‌ای به صورت خاص عبارت است از تعامل بین دو یا چند رشته مختلف. این تعامل ممکن است از حالت ارتباطات ساده بین ایده‌ها تا یکپارچگی و انسجام متقابل از منظر: سازماندهی مفاهیم و اصطلاحات علمی، روش‌شناسی، معرفت-شناسی... باشد. در این تعریف مفاهیم «تعامل بین رشته‌ها» و «شدت و ضعف روابط» کانون توجه می‌باشد. در صورتی که تعامل بین رشته‌ها ضعیف و کوتاه‌مدت حول یک مسئله باشد، تفکر «چند رشته‌ای» شکل می‌گیرد و وجود انسجام قوی بین نظریه‌های اقتباسی از رشته‌های گوناگون بر اساس منطقی خاص و در بلندمدت به معنای پیدایش «تفکر میان‌رشته‌ای» می‌باشد.

کلین و همکاران (Klein et al, 1998) فرایند پاسخ‌دهی به یک سؤال، حل و فصل یک مشکل، و یا توجه به یک موضوع با ویژگی وسیع و یا پیچیده بودن را «با کمک و یاری از دانش رشته‌های علمی مرتبط با موضوع» مطالعات میان‌رشته‌ای می‌نامند که «فراتر از ظرفیت و قلمرو یک رشته یا حرفه خاص» می‌باشد. در این تعریف، مفهوم پرسش یا مسئله مبنای انسجام دانش می‌باشد. رپکو و همکاران (Repko, et al, 2016) تفکر میان‌رشته‌ای را به شرح متعاقب تعریف کرده‌اند: «شیوه تفکر یک فرد یا یک تیم می‌باشد که بر اساس آن

اطلاعات، روش‌ها، ابزارها، مفاهیم یا نظریه‌ها و دیدگاه‌ها از دو یا چند رشته و دانش تخصصی جهت حل و یا دستیابی به فهم بنیادین درباره مسائل اجتماعی پیچیده شناسایی و بکار گرفته می‌شوند.» در این تعریف «هدف مطالعات میان‌رشته‌ای» برجسته شده است. تأمل در تعاریف مورد اشاره نشان می‌دهد که موارد تعاملات بین رشته‌ها، منطبق ایجاد انسجام و هدف حوزه میان‌رشته‌ای کانون توجه می‌باشند.

با توجه به بحث‌های مطروحه تفکر میان‌رشته‌ای عبارت است از فرایند اقتباس و انسجام دانش از خاستگاه‌های نظری گوناگون با هدف فهم بنیادین یک موضوع و یا حل یک مسئله پیچیده فرا رشته‌ای. بر اساس این نوع نگاه مفاهیم چهارگانه: موضوع فرا رشته‌ای^۷، دانش‌های مبدأ-مقصد، اقتباس و انسجام دانش، فهم یا حل پدیده پیچیده، مؤلفه‌های تعریف فوق هستند که به ترتیب اهمیت در پیوند با دانش کارآفرینی تشریح می‌شوند. بر اساس تعریف پیشنهادی، کارآفرینی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای، دارای چهار مؤلفه اساسی می‌باشد که در قالب چهار پرسش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

۱. موضوع کارآفرینی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای چیست؟
۲. رشته‌های نقش آفرین در پیدایش و تعالی حوزه کارآفرینی کدامند؟
۳. ترکیب و انسجام دانش در کارآفرینی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای چگونه است؟
۴. هدف حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی چیست؟

سؤال اول: موضوع در حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی؟

اندیشمندان (Jacobs, 1989; Squires, 1992) معتقد هستند که هر حوزه میان‌رشته‌ای دارای یک کنجکاوی خاص و متمایز می‌باشد. کنجکاوی و دغدغه‌ای که موضوع محوری سایر حوزه‌های علمی نیست، اما ممکن است به صورت رگه‌ای و حاشیه‌ای در سایر رشته‌ها وجود داشته باشد. اندیشمندان مختلف با عبارات گوناگون و به شرح متعاقب این دغدغه را مورد توجه قرار داده‌اند: رشته‌های علمی دارای «موضوع شناسایی» هستند. میان‌رشته‌ای، نگرشی به دانش است که تلاش می‌کند به طور آگاهانه از ظرفیت‌های دانشی بیش از یک رشته علمی برای بررسی یک موضوع یا مسئله استفاده کند. پس یک حوزه علمی میان‌رشته‌ای دارای یک «موضوع خاص» می‌باشد. به عنوان مثال حوزه «مطالعاتی شناخت» به عنوان یک قلمرو میان‌رشته‌ای دارای موضوع فرا

رشته‌ای خاص خود به نام «چگونگی کارکرد ذهن» می‌باشد. این حوزه حاصل اقتباس و انسجام دانش «از رشته‌های مختلف روان‌شناسی، علم کامپیوتر، زبان، فلسفه و... جهت توصیف و تبیین چگونگی «فعالیت ذهن انسان»» بوجود آمده است (Jackson,2000:320).

موضوع یک حوزه علمی عبارت است از یک مفهوم و یا مجموعه مفاهیمی که ابعاد اساسی و اجتناب ناپذیر آن حوزه علمی را تشکیل می‌دهند و کانون توجه مطالعاتی و آموزشی اندیشمندان آن حوزه می‌باشند (الیاسی، ۱۳۸۷). حوزه‌های میان‌رشته‌ای عمدتاً در نقطه شروع بر اساس تقاضای جامعه برای حل مسائل واقعی بوجود آمده‌اند و سپس در دانشگاه‌ها تلاش شده است که با انجام پژوهش و بحث‌های علمی به شناسایی بهتر وجوه چندگانه و پویای آن‌ها و همچنین یافتن راهکارهایی جهت توصیف و تبیین مسائل آن‌ها اقدام شود (klein,1990,37).

صاحب‌نظران با توجه به گرایش‌های علمی و تجربی خود به صورت آشکار و یا ضمنی تلاش کرده‌اند، دغدغه اصلی و یا موضوع حوزه کارآفرینی را شناسایی و تعریف کنند. ارزیابی‌های گارتنر (Gartner,1990,15-16) نشان می‌دهد که دانش کارآفرینی را می‌توانیم بر اساس هشت موضوع متعاقب سامان‌دهی کنیم: کارآفرین، نوآوری، ایجاد ارزش، ایجاد کسب‌وکار، رشد کسب‌وکار، سود جویی، منحصر بفرد بودن و خویش فرمایی (مدیر-مالک).

شین و ونکاتارامان (shane and venkataraman,2000,218) معتقدند که «حوزه کارآفرینی تلاش دارد به صورت علمی فعالیت کشف و بهره‌برداری از فرصت‌ها توسط عاملان را مطالعه کند.» ارزیابی‌های دیگر (الیاسی، ۱۳۸۷) پیرامون چیستی موضوع کارآفرینی نشان می‌دهد که موارد متعاقب به عنوان دغدغه‌ها و کنجکاو‌های اصلی اندیشمندان حوزه کارآفرینی مطرح هستند: ارزش آفرینی^۸، ایجاد کسب‌وکار مخاطره‌ای، فرآیند ایجاد کسب‌وکار مخاطره‌ای^۹، رفتار کارآفرینانه^{۱۰}، هیجان‌ها و احساسات کارآفرینانه، شناخت کارآفرینانه^{۱۱}، فرصت جویی^{۱۲}، زمینه و ساختار اجتماعی - فرهنگی کارآفرین پرور و نوآوری^{۱۳}. این که کدام یک یا چه ترکیبی از موارد مورد اشاره، موضوع و کنجکاو اصلی می‌باشد و کدام یک «ابعاد» آن را تشکیل می‌دهند، بستگی به شاخص‌های ارزیابی موضوع یک حوزه علمی شامل: اساسی بودن در کنش‌های

کارآفرینی، قابلیت انسجام بخشی و ایجاد تمایز در قلمرو دانش کارآفرینی دارد. در پرتو معیارهای سه گانه، مفهوم «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها» از قابلیت لازم برای ایفای نقش موضوع حوزه کارآفرینی برخوردار است.

سؤال دوم: خاستگاه علمی دانش میان‌رشته‌ای کارآفرینی؟

در یک حوزه میان‌رشته‌ای فرایند اخذ و اقتباس دانش از سایر وادی‌های علمی به عنوان «روشی برون‌زا»، نقشی اساسی در رشد و تکامل رشته مقصد ایفا می‌کند. اخذ به معنی «گرفتن و ستاندن چیزی از کسی می‌باشد» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۰۲). اقتباس به معنی مطلبی را از روی سندی در نوشته خود نقل کردن، همراه با ایجاد تغییرات و یا اعمال برداشتهای خود در آن می‌باشد (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۰۵). در حوزه اندیشه، عمل اخذ دانش در اصل فعالیت شناسایی و انتقال فیزیکی دانش است و اما در اقتباس علاوه بر انتقال فیزیکی دانش، اعمال تغییرات محتوایی جزئی بر اساس برداشت‌های محقق و الزامات مسئله در آن نیز صورت می‌گیرد. حال اخذ و اقتباس در نگاه میان‌رشته‌ای به معنای شناسایی و گزینش دانش از سایر رشته‌ها و احتمالاً توأم با اعمال «تغییراتی غیر اساسی» در محتواها می‌باشد. مفاهیم «توجه کارآفرینانه» (Davenport, 2001 & Beck) و «کشف کارآفرینانه» (Kirzner, 1997) نمونه‌های از اقتباس دانش از رشته‌های روان‌شناسی و اقتصاد برای حوزه کارآفرینی می‌باشد.

کیفیت اخذ و اقتباس نشان می‌دهد که رویکرد رشد برون‌زا به چه میزان در تشخیص و حل مسائل وادی مقصد اثرگذار است. به تدریج نگاه رشد درون‌زا بر اساس پژوهش پیرامون مسائل خاص توسط اندیشمندان فعال آن حوزه، فرایند اخذ و اقتباس را نیز همراهی می‌کند. پیدایش الگوی پایش جهانی کارآفرینی (Reynolds et al, 2005) نمونه خوبی از رشد درون‌زا دانش کارآفرینی می‌باشد. یک حوزه میان‌رشته‌ای تلاش دارد که مجموعه‌ی دانش (Newbould, 1975) و یا به صورت خاص‌تر «دیدگاه‌ها و نظریه‌های» را از سایر رشته‌های علمی اخذ و اقتباس کند. در نگاه میان‌رشته‌ای، «پیکره‌ی دانش» به مجموعه اطلاعات سامان‌یافته و با معنی مرتبط با یک مسئله یا موضوع از قبیل: مفاهیم، سنخ‌شناسی‌ها، نظریه‌ها، روش‌ها و پارادایم‌های یک حوزه گفته می‌شود (Akakabadse et al, 2003) که بر اساس دو روش رشد درون‌زا و رشد برون‌زا شکل می‌گیرند.

حال دانش کارآفرینی به عنوان «واقعیتی چند وجهی و چند سطحی»^{۱۴} از چه مبدأها و خاستگاه‌هایی اخذ و اقتباس شده است؟ به نظر می‌رسد برای شناسایی مبدأ دانش کارآفرینی «تئوری کنش عمومی» به دلیل برخورداری از ویژگی تفکر سیستمی مفید به نظر می‌رسد. برای توضیح این نگاه، ابتدا در پرتو اندیشه‌های ماکس وبر (۱۹۶۸) و تالکوت پارسونز (Parsons, 1966, 1962) تئوری عمومی کنش (مفهوم کنش، کنش اجتماعی، کنش اقتصادی و ابعاد کنش) به عنوان بنیان این نگاه مختصراً مورد توجه قرار می‌گیرد. مفهوم کنش به «عمل انسان بر اساس ذهنیت‌ها و انگیزه‌های او» اشاره دارد که حاصل زیستن و تعامل پویای کنش‌گر با موقعیت اجتماعی است. زمانی که یک انسان فعالیت‌های سایر انسان‌ها را در ذهنیت‌های خود لحاظ می‌کند و بر اساس برداشت‌هایش از ذهنیت‌ها، برخوردها و موقعیت دیگران، تصمیم خود را اتخاذ می‌کند، کنش او شکل گرفته است (ریترز، ۲۰۰۷: ۶۷-۶۸؛ وبر، ۱۹۶۸: ۳۶). پس اتخاذ تصمیم {و عمل} با لحاظ کردن انگیزه‌ها، نیت‌ها و ارزش‌ها، رفتارها و موقعیت‌های دیگران را کنش گویند. با این نوع نگاه دو مقوله‌ی: ذهنیت و تصمیم فرد، ابعاد کنش او را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال یک شخص متمول با در نظر گرفتن و لحاظ کردن انگیزه‌های مذهبی و الهی خود و از سوی دیگر توجه به نیازهای مردمان فقیر اقدام به ایجاد یک مؤسسه خیریه برای کمک به نیازمندان می‌کند که به آن «کنش خیرخواهانه» می‌گوییم. بر اساس تفکر وبر (۱۹۶۸)، کنش انسان از آن جهت یک «مقوله اجتماعی» است که با لحاظ کردن انگیزه‌ها، رفتارها و موقعیت‌های سایر انسان‌ها در ذهنیت‌های فاعل رخ می‌دهد. از سوی دیگر، زمانی که کارآفرینان و مالکان کسب‌وکارها بر اساس «اختیار» خود و با «اهداف اقتصادی» فعالیت‌های خود را انجام دهند، به آن «کنش اقتصادی» می‌گوییم. در پرتو این نوع نگاه در فعالیت‌های مدیران و مالکان کسب‌وکارها ارزش‌ها، خواسته‌ها و انگیزه‌های سایر انسان‌ها بعلاوه اختیار و اهداف آگاهانه اقتصادی موجب می‌شود که کنش به صورت توأمان از «ابعاد اجتماعی و اقتصادی» برخوردار باشد. از دیدگاه ماکس وبر^{۱۵} چهار نوع ذهنیت عاملان به شرح زیر موجب پیدایش کنش‌های آن‌ها می‌شوند:

- ذهنیت عقلانیت هدفمند: این ذهنیت به لزوم وجود «تناسب ابزار - اهداف» به صورت کاملاً مشخص و سنجیده یا حسابگرانه تأکید دارد. مثلاً انتخاب بازار

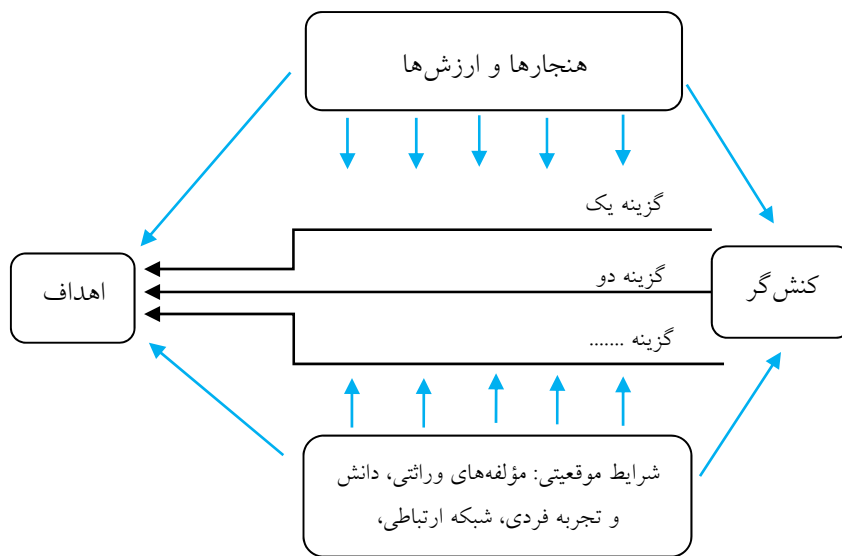
مناسب برای افزایش سود کسب‌وکار.

- **ذهنیت عقلانیت/ارزشی:** به باور و اعتقاد به ارزشمندی یک رفتار اخلاقی، مذهبی، زیبا شناختی و... اشاره دارد. افراد در ذهنیت خود برای ارزش‌ها و باورها احترام و اهمیت قائل هستند و به همین دلیل احساس تکلیف، وظیفه، شرف و دعوت مذهبی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا کنش‌های را در راستای آن‌ها انجام دهند. به عنوان نمونه بخشیدن بخشی از اموال خود برای کمک به ایتم به عنوان تکلیف دینی.
- **ذهنیت سنتی:** بعضی افراد کنش‌های خود را بر اساس ذهنیت «ارزشمند بودن و مقبولیت سنت‌ها» انجام می‌دهند. برای مثال تلاش جهت پیشی گرفتن در سلام کردن به بزرگترها، کنشی است که حاصل ذهنیت ارزشمند بودن انسان‌های بزرگتر در سنت‌ها می‌باشد. این نوع کنش‌ها از عادت‌ها، عرف و رسوم ریشه می‌گیرند.
- **ذهنیت عاطفی-احساسی:** در این ذهنیت به نقش عواطف و احساسات انسان‌ها در شکل‌گیری کنش‌های افراد توجه می‌شود. از این منظر کنش عبارت است از واکنش‌های عاطفی-احساسی که یک فرد در اوضاع و احوال معین از خود نشان می‌دهد. به عنوان نمونه تلاش جهت فدا کردن خود برای نجات دیگران بر اثر شدت عواطف و احساسات (آرون، ۱۹۶۵: ۵۶۷).

بسیار بعید به نظر می‌رسد که به طور عینی کنشی را بیابیم که به صورت خالص ناشی از یک ذهنیت باشد. بلکه هر کنشی ناشی از «ترکیب ذهنیت‌های مختلف» است، اما ممکن است یک ذهنیت نقش محوری و سایر ذهنیت‌ها نقش پیرو و تکمیل‌کننده را داشته باشند. بر اساس مفهوم کنش و ذهنیت‌های بوجود آورنده به شرح بالا، بصیرت‌های زیر برای دانش کارآفرینی مطرح می‌شوند: در کنش کارآفرینانه، با انگیزه‌ها، ارزش‌ها، باورها، تصمیم‌ها و اقدام‌های کارآفرینان مواجه هستیم. کنش کارآفرینانه از یک سو به دلیل لحاظ کردن انگیزه‌ها و موقعیت‌های سایر انسان‌ها در ذهنیت‌های کارآفرینان، مقوله‌ای اجتماعی است و از سوی دیگر، به دلیل لحاظ کردن اختیار و اهداف آگاهانه اقتصادی آنان، مقوله‌ای اقتصادی است. همچنین ذهنیت‌های خاص شامل: عقلانی‌هدفمند، عقلانی ارزشی، سنت‌ها، عواطف می‌توانند منشأ پیدایش و

تکامل آن محسوب شوند.

در ادامه پرسش متعاقب مطرح می شود: کنش کارآفرینانه از چه ابعادی برخوردار است؟ بر اساس دیدگاه پارسونز (گی روشه، ۱۹۲۷) پدیده‌های اجتماعی با تفکر سیستمی بهتر شناخته می‌شوند. «نگاه نظام‌مند» به کنش می‌تواند ما را در پاسخگویی به پرسش اخیر به خوبی یاری دهد. کنش در پرتو دیدگاه نظام‌مند به شرح متعاقب تعریف می‌شود: اتخاذ تصمیم کنش‌گر درباره گزینه‌های نیل به هدف تحت تأثیر و احاطه‌ی هنجارها، ارزش‌ها و سایر شرایط تأثیرگذار. بر اساس این دیدگاه یک کنش اجتماعی دارای ابعادی شامل موارد: کنش‌گر، هدف جوئی، شرایط موقعیتی، گزینه‌های رفتاری، نظام ارزش‌ها-هنجارها (شکل شماره یک) می‌باشد.



شکل شماره ۱: مقوله‌های محوری رویکرد کنش اجتماعی به تحلیل پدیده‌های اجتماعی (ترنر، ۱۹۷۴)

مفهوم کنش‌گر به عاملان یا فاعلان کنش‌ها اشاره دارد. مفهوم کنش‌گر برخلاف برداشت ظاهری از آن صرفاً به افراد و یا مردم اشاره ندارد. کنش‌گر در افکار پارسونز می‌تواند فرد، گروه، سازمان، جامعه و یا یک نظام باشد (گی روشه، ۱۹۲۷، ترنر، ۱۹۷۴).

برخی از صاحب‌نظران (Alvarez and Barney, 2005, shapero, 1984) با توجه به ظرفیت و بصیرت‌های موجود در مفهوم کنش اجتماعی وبر (۱۹۶۸) و نظریه کنش اجتماعی پارسونز (گی روشه، ۱۹۲۷) با دیدگاه نظام‌مند، برای توصیف و فهم پدیده‌های کارآفرینی از مفهوم «کنش کارآفرینانه»^{۱۶} استفاده کرده‌اند تا با بهره‌گیری از بینش‌های نهفته در مفهوم و نظریه کنش اجتماعی، ابعاد گوناگون پدیده‌ی کارآفرینی را برای علاقه‌مندان روشن سازند. بر اساس همین نوع نگاه «کنش کارآفرینانه» به شرح متعاقب تعریف می‌شود: «تصمیم کارآفرینان به ایجاد یا رشد کسب‌وکار بر اساس گزینه‌های رفتاری خاص و با لحاظ کردن نیازها و موقعیت‌های دیگران». از سوی دیگر «کنش کارآفرینانه» به عنوان یک کنش اجتماعی - اقتصادی دارای پنج بعد اساسی شامل: کنشگر، اهداف، نظام ارزش‌ها و هنجارها، گزینه‌های رفتاری، شرایط موقعیتی و محدودیت‌های محیطی می‌باشد. با توجه به بحث‌های مورد اشاره، تلاش می‌شود از ابعاد کنش اجتماعی به عنوان راهنمای شناسایی مبدأ اخذ و اقتباس دانش کارآفرینی به شرح زیر (جدول شماره یک) استفاده شود:

جدول ۱: نمونه‌های از مبداء دانش کارآفرینی

ردیف	وجه کنش کارآفرینی	پرسش‌های بنیادین	نمونه‌های از مفاهیم اقتباسی از دانش رشته‌های مختلف
۱	کنش-گر افراد به عنوان کنش‌گران	<ul style="list-style-type: none"> کارآفرینان از چه انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی برخوردار هستند؟ اراده و اختیار آن‌ها به چه میزان در انتخاب و پیگیری فعالیت‌های آن‌ها نقش دارد؟ 	<ul style="list-style-type: none"> موفقیت‌جویی (McClelland, 1965)، اشتیاق کارآفرینانه (Cardon et al, 2009)، توجه کارآفرینانه (Davenport & Beck, 2001) از دانش روان‌شناسی کارآفرین کیست؟ (Gartner, 1988) از دانش درونی حوزه کارآفرینی
	کنش جمعی	<ul style="list-style-type: none"> کارآفرینی به عنوان کنش جمعی مبتنی بر چه ایده‌ها و آموزه‌های است؟ 	<ul style="list-style-type: none"> مفهوم کارآفرینی به عنوان کنش جمعی (Olson, 1965)
	سازمان به عنوان کنش‌گر	<ul style="list-style-type: none"> سازمان‌های کارآفرین بر اساس چه انگیزه‌های در فعالیت‌های کارآفرینانه درگیر می‌شوند؟ سازمان‌های کارآفرین از چه فرهنگ، ساختار، فرایندها و قابلیت‌های انسانی برخوردار هستند؟ 	<ul style="list-style-type: none"> مفهوم کارآفرینی سازمانی از دانش مدیریت (Pinchot, 1985) مفهوم سازمان کارآفرین فرصت‌جو (Stevenson, & Jarillo 1999) از دانش مدیریت

نمونه‌های از مفاهیم اقتباسی از دانش رشته‌های مختلف	پرسش‌های بنیادین	وجوه کنش کارآفرینی	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم «اقتصاد کارآفرینان»^{۱۱} از دانش اقتصاد (Audretsch and Roy, 2004) • مفهوم «ناحیه کارآفرینانه»^{۱۲} از دانش اقتصاد (Berggren and Lindholm, 2009) • مفهوم جامعه کارآفرینانه از دانش اقتصاد و جامعه‌شناسی (Audretsch, 2007) 	<ul style="list-style-type: none"> • یک «نظام کارآفرینانه»^{۱۳} از قبیل: اقتصاد کارآفرینانه، جامعه کارآفرینانه^{۱۴}، ناحیه کارآفرینانه و... به عنوان یک کل چگونه بوجود می‌آید؟ و چگونه عمل می‌کند؟ • کنش کارآفرینانه به عنوان یک کل چگونه بوجود می‌آید؟ 	<p>نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ناحیه‌ای به عنوان کنش‌گران</p> <p>کنش-گر</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی از دانش اقتصاد (Fayolle, 2007) • مفهوم سود جوئی کارآفرینان (Cantillon, 1755) از دانش اقتصاد 	<ul style="list-style-type: none"> • کارآفرینی به عنوان یک کنش اقتصادی و اجتماعی چه اهدافی دارد؟ • مطلوبیت‌های اقتصادی مورد نظر کارآفرینان کدامند؟ 	<p>اهداف کنش</p>	۲
<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم گزینه کارآفرینی مبتنی بر نوآوری (Schumpeter, 1943) و گزینه کارآفرینی مبتنی بر کشف کارآفرینانه (Kirzner, 1997) از دانش اقتصاد • مفهوم «نوع‌شناسی شرکت‌های کوچک کارآفرینانه» (Alvarez and Barney, 2005) از دانش اقتصاد و دانش مدیریت شاخه استراتژیک (herron et al, 1991) 	<ul style="list-style-type: none"> • محتوای کنش‌های کارآفرینانه بر چه مفاهیمی از قبیل: نوآوری، عدم-اطمینان، مخاطره‌جوئی، فرصت‌جوئی و... استوار است؟ و کارآفرینان بر اساس چه معیارهای گزینه‌های کارآفرینی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند؟ 	<p>گزینه‌های رفتاری در کنش</p>	۳
<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم کارآفرینی مولد و مخرب از دانش اقتصاد (Baumol, 1990) • مفهوم اخلاق کسب‌وکار (Weber, 1930) از دانش جامعه‌شناسی 	<ul style="list-style-type: none"> • ارزش‌های مرتبط با فعالیت‌های کارآفرینانه چگونه بوجود می‌آیند؟ و چه نقشی در پیدایش و توسعه کنش‌های کارآفرینانه ایفا می‌کنند؟ 	<p>نظام ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با کنش</p>	۴
<ul style="list-style-type: none"> • مفهوم نقش ژنتیک در کارآفرینی از دانش روان‌شناسی (Nicolau and Shane, 2009) • دانش پیشین از دانش اقتصاد (Shane, 2000) • شبکه‌های اجتماعی کارآفرینان از دانش جامعه‌شناسی (Granovetter, 1973) 	<ul style="list-style-type: none"> • عوامل وراثتی و اکتسابی، نوع تجربیات و دانش فردی، شبکه‌های ارتباطی کارآفرینان چگونه بر کنش کارآفرینانه آن‌ها تأثیر می‌گذارند؟ • عوامل کلان اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و بین‌الملل چگونه بر کنش‌های کارآفرینانه تأثیر می‌گذارند؟ 	<p>شرایط موقعیتی و ویژگی‌های فردی مرتبط با کنش</p>	۵

بر اساس رویکرد کنش اجتماعی، اندیشمندان و پژوهشگران کارآفرینی جهت شناسایی و حل چالش‌های توسعه کارآفرینی عمدتاً از دانش رشته‌های اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شاخه‌های مطالعاتی و پژوهشی مدیریت استفاده می‌کنند، به بیانی دیگر از منظر کیفیت اقتباس، رگه‌هایی از تفکر و روحیه «میان‌رشته‌ای» در حوزه مطالعاتی کارآفرینی نمایان می‌شود.

سؤال سوم: ترکیب^{۲۱} و انسجام دانش در حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی چگونه است؟

انسجام دانش یکی از مؤلفه‌های کلیدی تفکر میان‌رشته‌ای می‌باشد. تعریف و چگونگی ایجاد انسجام در حوزه مطالعاتی کارآفرینی یکی از دغدغه‌های ارزشمند آموزشی و پژوهشی است. در آثار علمی میان‌رشته‌ای، بر لزوم «انسجام شناختی^{۲۲}» در مفاهیم، نظریه‌ها، روش‌ها و یا دست‌آوردهای حوزه‌های علمی گوناگون به عنوان «معیار و نشانه یک پژوهش میان‌رشته‌ای» تأکید شده است (Porter et al, 2008:273). به بیانی دیگر در مطالعات میان‌رشته‌ای، انسجام بین دانش‌های مختلف انجام می‌شود و دانش میان‌رشته‌ای ماهیتی یکپارچه به خود می‌گیرد. اندیشمندان مفهوم «انسجام دانش» را از منظر «نیاز به فهم مشترک بین اندیشمندان یک حوزه علمی» مطرح می‌کنند. انسجام دانش‌های پراکنده و مختلف اولاً منجر به شکل‌گیری یک پیکره واحد و جدید معرفتی می‌گردد و ثانیاً شناخت و فهم حاصله بسیار بیشتر و فراتر از «انباشت صرف ابعاد» و بکارگیری قطعات دانشی پراکنده می‌باشد (Moran, 2002, Sember, 1998).

توجه به تفاوت و رابطه دو مفهوم «ترکیب و انسجام^{۲۳}» برای تعریف انسجام دانش در حوزه مطالعاتی کارآفرینی لازم به نظر می‌رسد. در فرهنگ فارسی ترکیب به معنی آمیخته کردن (معین، ۱۰۷۱:۱۳۸۶)، قرار گرفتن مؤلفه‌های مختلف در کنار هم جهت شکل‌گیری موجودیت جدیدی (انوری، ۱۳۸۶) می‌باشد، به بیانی دیگر غالباً مفهوم ترکیب در خصوص پیدایش پدیده‌های فیزیکی و طبیعی مطرح می‌شود، مثلاً می‌گوییم هوا از هیدروژن و نیتروژن تشکیل شده است. از سوی دیگر اندیشمندان معتقدند که انسجام دانش عبارت است از «پیوند مفاهیم از دو یا بیش از دو رشته جهت ایجاد دیدگاه‌های جدید» (Newell, Szostak, 2005). انسجام یک فعالیت شناختی است که در

«قلمرو معانی» جهت ساختن یک کل و ایجاد فهم مشترک از مسئله و یا دانش مطرح است. انسجام دانش می‌تواند شناخت متمایزی در مقایسه با شناخت حاصل از بکارگیری صرف دیدگاه یک رشته خاص درباره امر برگزیده در اختیار ما قرار دهد. در انسجام دانش تمام مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده به صورت «امر واحد یگانه‌ای» ظهور می‌کنند، بگونه‌ای که «اجزا و تناسب بین آن‌ها»، چنان به هم پیوسته و هماهنگ هستند که تفکیک‌ناپذیر می‌شوند. از پژوهشگران انتظار می‌رود وقتی در خصوص ایجاد انسجام بین اندیشه‌های اندیشمندان مختلف کار می‌کنند، منطق ایجاد انسجام در فعالیت پژوهشی خود را دقیقاً مشخص کنند. وقتی می‌خواهیم در خصوص بحث انسجام دانش در حوزه کارآفرینی تأمل کنیم، بهتر است به موارد متعاقب توجه ویژه داشته باشیم: بنیان‌های شکل‌گیری انسجام، وضعیت انسجام دانش در حوزه کارآفرینی و دست‌آوردهای ایجاد انسجام در حوزه کارآفرینی (الیاسی، ۱۳۹۵).

این باور درباره دانش حوزه کارآفرینی وجود دارد که متأسفانه هر یک از رشته‌های گوناگون روان‌شناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت، مردم‌شناسی و...، به صورت مستقل، جداگانه و بدون توجه به دیدگاه‌ها و دست‌آوردهای سایر رشته‌ها، تلاش کرده‌اند تا به شناخت ابعادی از کارآفرینی کمک کنند. به کلامی دیگر هر رشته، از شیوه فکری منحصربفرد خود و بدون توجه به دیدگاه‌های دیگر رشته‌ها به پدیده کارآفرینی نگرسته است و مقوله «اثرات تعاملی» دانش‌ها از رشته‌های مختلف جهت فهم کنش کارآفرینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Herron et al, 1992). همچنین برنامه‌های آموزشی در دانشکده‌های کسب و کار نیاز به باز تعریف بر اساس دیدگاه وسیع‌تر " میان رشته ای " در مقایسه با " نگاه محدود رشته ای " موجود دارند. در نگاه سنتی موجود بر تفکیک امور اقتصادی از امور اجتماعی در فعالیت‌های آموزش کارآفرینی تأکید می‌شود (Porter & Kramer, 2011). بر اساس معیار دیگری، برنامه‌های آموزش کارآفرینی عمدتاً شامل «دوره‌ها و بسته‌های آموزشی سنتی و مستقل»^{۲۴} و یا «دوره‌ها و بسته‌های عاریتی» از سایر رشته‌ها می‌باشند که الزامات ویژه و مرتبط با «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارهای مخاطره‌ای» را پوشش نمی‌دهند و یا بر تفکیک نگاه اجتماعی از نگاه اقتصادی تأکید دارند. به بیانی دیگر دوره‌های آموزشی از قبیل: استراتژی، بازاریابی، حسابداری، تأمین مالی، فناوری اطلاعات و... عمدتاً به دغدغه‌ها و

کنجکاوی‌های موجود در خاستگاه اصلی و رشته‌ای خاص خود توجه دارند و کمتر به الزامات اساسی مرتبط با «فرایند ایجاد کسب‌وکارهای جدید» توجه می‌کنند. این وضعیت این پیام آشکار و درد آور را اعلام می‌کند که فعالیتهای پژوهشی و آموزشی کارآفرینی عمدتاً در مرحله ترکیب، یعنی چیدمان فیزیکی درس‌ها در کنار یکدیگر قرار دارند و کمتر به مرحله انسجام و پیوند محتوایی بر اساس منطق خاصی مانند دغدغه‌های مرتبط با «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها» رسیده‌اند (matlay and carey, 2007). ارزیابی اولیه بر اساس مطالب مورد اشاره نشان می‌دهد که حوزه مطالعاتی کارآفرینی با چالش «ایجاد انسجام» در فعالیتهای آموزشی و پژوهشی خود مواجه است.

سؤال چهارم: هدف دانش میان‌رشته‌ای کارآفرینی؟

درباره اهداف حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی، تأملاتی به شرح زیر مطرح می‌شود:

۱- از منظر غایت اصلی یک حوزه علمی:

غایت به هدف نهایی و اعلی درجه یک حوزه علمی اشاره دارد. حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی به یقین معرفتی هدفمند و غایت‌دار است که می‌کوشد به آن دست یابد. اما غایت اصلی این حوزه چیست؟ بعضی از اندیشمندان به صورت غیرمستقیم، غایت و هدف نهایی کارآفرینی را ایجاد تغییرات بنیادین به صورت متوالی و پی در پی یا همان «توسعه» در اقتصاد مطرح می‌کنند (Schumpeter, 1949). بعضی دیگر در تشریح غایت و یا هدف نهایی کارآفرینی بر «ایجاد ارزش مشترک» به معنای نیل توأمان به دست‌آوردهای اقتصادی و توانمندسازی اجتماعی جامعه تأکید دارند (Porter & Kramer, 2011). فرانسیس بیکن (Bacon, 2000) معتقد است یکی از بزرگترین خطاها، بد فهمیدن غایت دانش است. بسیاری از افراد موارد زیر را که ماهیتاً «شهوت به معرفت» است، غایت اصلی کسب دانش می‌دانند: ارضاء کنجکاوی‌ها و لذت ذهنی، رقابت یا کسب برتری دانشی بر دیگران، کسب سود از حرفه، کسب شهرت و نام‌آوری. صور «شهوت به دانش» موجب نیک زیستن مردم و بهروزی جامعه نمی‌شود. متأسفانه آدم‌ها کمتر غایت دانش را در «اختراع و اکتشاف جهت کمک به بهروزی جامعه» مورد توجه قرار می‌دهند. علم از طریق «اختراع و اکتشاف» می‌تواند به نیک زیستن و بهروزی جامعه کمک کند که غایت اصلی علم همین است. نقدی به نگاه مورد اشاره وجود دارد.

بیل گیتس در سخنرانی دانش آموختگان دانشگاه هاروارد می‌گوید: «من تحت تاثیر پیشرفت‌های علمی قرار گرفته‌ام، اما اکتشافات علمی در صورتی که به کاهش «بی‌عدالتی‌ها» کمک نکند، پیشرفت انسان محسوب نمی‌شوند.» توجه و تعریف هدف حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی با توجه به دیدگاه مورد اشاره بسیار با اهمیت است. به این معنا که «ایجاد و رشد کسب‌وکارها» به گونه‌ای باشد که منجر به «بهبودی جامعه» بشود، فواید آن شامل «تمام افراد جامعه» باشد، بهبودی جامعه به گونه‌ای تعریف شود که «آزادی انسان و کاهش بی‌عدالتی‌ها» در آن دیده شود. این نوع نگاه به غایت کسب‌وکار در ارزش‌های دینی چه منزلتی دارد؟

۲- از منظر کارکردهای علمی حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی:

در یک حوزه میان‌رشته‌ای بایستی تلاش شود بر اساس اصولی مشترک بین اندیشمندان رشته‌های مختلف پیرامون یک امر پژوهشی تعامل برقرار کنیم تا فهمی مشترک و عمیق از مسئله حاصل آید (Kockelmans, 1979: 8, 137). بنابراین یکی از کارکردها این حوزه کمک به ایجاد انسجام و یا دستیابی به فهم عمیق و مشترک از مسئله «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها» می‌باشد. از سوی دیگر بلومر (Blumer, 1969) معتقد است که یکی از اهداف علوم انسانی توصیف است که شامل مواردی از قبیل: شرح یک پدیده، گزارش تغییر ویژگی‌ها و رفتارها در طول زمان، آشکار کردن روابط حاکم بر رویدادها و امور اجتماعی می‌باشد. در پرتو این نوع نگاه، حوزه مطالعاتی کارآفرینی نیز تلاش می‌کند رویدادها و امور کارآفرینی را به شیوه‌های مناسب «توصیف» کند.

از منظر مسائل حوزه علمی کارآفرینی هم می‌توانیم تأملی داشته باشیم. مسائل مشترک به دشواری‌های تجربی اشاره دارد که الگوها و نظریه‌های موجود از توصیف و تبیین آن‌ها ناتوان هستند و همچنین به مشکلات نهفته در نظریه‌های یک حوزه علمی گفته می‌شود که دغدغه جمعی از محققان آن حوزه می‌باشد (پوپر، ۱۹۷۲). بر اساس این نوع نگاه تلاش در ارائه تبیین‌های رضایت بخش از امور و مسائل تبیین‌پذیر از دیگر اهداف یا کارکردهای این حوزه می‌باشد. با توجه به موارد مورد بحث اهداف حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- کمک به نیک زیستن و بهبودی جامعه

- کمک به فهم و تحول شناختی درباره مسئله چند وجهی و چند سطحی «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها» در جامعه
- تبیین و یا توضیح «چگونگی و چرایی ایجاد و رشد کسب‌وکارها» جهت کمک به حل «مسائل و چالش‌های عملی جامعه»

جمع‌بندی و پیشنهادهای پژوهشی

تأملات مطروحه نشان می‌دهند که به صورت ضمنی دو دیدگاه شامل: الف) چیدمان پراکنده و اتفاقی مفاهیم، ب) ماهیت میان‌رشته‌ای، اما «چالشی و تکامل نیافته» در باره دانش کارآفرینی وجود دارد. تعریف حوزه مطالعاتی کارآفرینی بر اساس نگاه میان‌رشته‌ای به ما می‌گوید که این حوزه دارای چهار مؤلفه کلیدی به شرح متعاقب است: موضوع کارآفرینی، خاستگاه دانش کارآفرینی، انسجام دانش کارآفرینی و هدف حوزه مطالعاتی کارآفرینی.

دیدگاه‌های متفاوتی درباره موضوع حوزه کارآفرینی وجود دارد. با توجه به معیارهای خاص در باره ارزیابی موضوع یک حوزه علمی، به نظر می‌رسد که «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها»، می‌تواند موضوع ارزشمندی برای شکوفایی حوزه کارآفرینی باشد. علی‌رغم وجود دیدگاه‌های متفاوت در باره موضوع حوزه مطالعاتی کارآفرینی، می‌توانیم این ادعا را مطرح کنیم که این قلمرو دارای موضوع خاص و متمایزی می‌باشد، بنابراین وجهی از تفکر میان‌رشته‌ای را دارد. در باره مؤلفه کلیدی دوم، استفاده از تئوری کنش اجتماعی می‌تواند ما را در شناخت مناسب از «خاستگاه دانش کارآفرینی» یاری دهد. تأمل و تعمق در پرتو تئوری عمومی کنش اجتماعی به ما می‌گوید که «کنش کارآفرینانه» به عنوان «مقوله‌ای اجتماعی-اقتصادی»، دارای پنج بعد اساسی شامل: عامل، اهداف، گزینه‌های اقدام، ارزش‌ها و شرایط موقعیتی می‌باشد. بر اساس پیام‌های تئوری کنش اجتماعی، اندیشمندان و پژوهشگران کارآفرینی جهت شناسایی و حل و فصل چالش‌های علمی کارآفرینی عمدتاً از دانش رشته‌های اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، شاخه‌های مطالعاتی و پژوهشی مدیریت استفاده می‌کنند، به بیانی دیگر بر اساس این مؤلفه کلیدی، رگه‌ای از تفکر «میان‌رشته‌ای» در این حوزه مطالعاتی وجود دارد.

بحث «انسجام دانش» سومین و با اهمیت‌ترین مؤلفه تفکر میان‌رشته‌ای حوزه کارآفرینی می‌باشد. متأسفانه هر یک از رشته‌های نقش‌آفرین، در پرتو نگاه منحصر بفرد خود و بدون توجه به بصیرت‌ها و بینش‌های سایر رشته‌ها در پی شناخت و توضیح ابعادی از کنش کارآفرینانه هستند. یکی از پی‌آمدهای این شیوه فکری، وجود برنامه‌های آموزشی کارآفرینی با ساختاری عمدتاً عاریتی و مستقل یا انسجام نیافته می‌باشد، یا به بیانی دیگر این حوزه «نیاز شدید به انسجام» در فعالیتهای آموزشی خود احساس می‌کند.

اما چهارمین مؤلفه تفکر میان‌رشته‌ای یعنی «اهداف» در حوزه کارآفرینی، تابع بحث‌های مطروحه در خصوص اهداف علم در پرتو دیدگاه‌های مختلف می‌باشند. بنا به دلایلی غایت اصلی این حوزه کمک به «بهبودی جامعه» می‌باشد و از نظر کارکردهای خاص نیز تلاش جهت ایجاد فهم مشترک، توصیف و تبیین «فرایند ایجاد و رشد کسب‌وکارها»، اهداف این حوزه هستند. نتیجه‌گیری نهایی در خصوص ماهیت میان‌رشته‌ای کارآفرینی این است که این حوزه رگه‌ها و جوهی از نگاه میان‌رشته‌ای را در خود دارد، اما تا بلوغ در استفاده از ظرفیتهای تفکر میان‌رشته‌ای فاصله دارد.

با توجه به بحث‌های مطروحه مواردی جهت تأمل بیشتر توصیه می‌شود. با توجه به این که انسجام دانش در حوزه کارآفرینی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد، ارزیابی و نقد دقیق این موضوع بر اساس منطق خاصی یک دغدغه پژوهشی ارزشمند است. نگاه میان‌رشته‌ای به حوزه علمی کارآفرینی را در فرایند انتخاب و ارتقا مریبان و همچنین انتخاب و تربیت دانشجویان این حوزه چگونه بکار ببریم تا نتایج ارزشمندی داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Entrepreneurship as dance of chameleon
2. Entrepreneurship as catchall, or as Potpourri
3. knowledge intergration
4. interdisciplinarity
5. trans-disciplinary field
6. a partial unity of wissenschaft
7. the subject beyond the single - discipline
8. entrepreneurship as value creation
9. entrepreneurship as process
10. entrepreneurship as entrepreneurial behavior
11. entrepreneurship as entrepreneurial cognition
12. entrepreneurship as opportunity recognition
13. entrepreneurship as innovation
14. multifaceted and multilevel reality
۱۵. ماکس وبر (۱۹۶۸) با توجه به نقش ذهنیت‌ها در شکل‌گیری کنش‌های افراد، روش تفهیمی (Verstehen) را برای درک معانی ذهنی بوجود آورنده کنش‌های افراد سامان‌دهی و پیشنهاد نموده است.
16. entrepreneurial action
17. an entrepreneurial system
18. an entrepreneurial society
19. an Entrepreneurial economy
20. an Entrepreneurial region
21. combination
22. cognitive integration
23. composition and integration
- 24 traditional and independent courses and modules

منابع

- آرون، ریمون (۱۹۶۵)، مراحل اساسی سیر اتدیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی.
- انوری، حسن، (۱۳۹۰) فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات: سخن.
- افشار، مهدی (۱۳۸۸)، *گزیده‌ای از اشعار سهراب سپهری*، تهران: انتشارات صف گستر.
- پوپر، کارل (۱۹۷۲)، *شناخت عینی، برداشت تکاملی*، ترجمه: احمد آرام (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- ترنر، اچ. جانانان (۲۰۰۳)، *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه: لهسایی‌زاده و عبدالعلی (۱۳۸۲) شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- جهانگیری، محسن (۱۳۸۵)، *احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر ()، *لغت نامه دهخدا*، موسسه لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
- روشه، گی (۱۹۲۷)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: نیک گهر، عبدالحسین، (۱۳۷۶)، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ریتزر، جرج (۲۰۰۷)، *مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه: شهناز مسمی پرست، (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات ثالث.

محمدی الیاسی، قنبر (۱۳۸۷)، موضوع کارآفرینی به عنوان یک حوزه علمی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، (۱): ۵۱-۱۳۶.

محمدی الیاسی، قنبر (۱۳۸۸)، تأملی بر چیستی و منزلت فرصت و فرصت‌شناسی در مطالعات کارآفرینی، پژوهش‌نامه مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، الزامات توسعه فرهنگ کارآفرینی، ۴۳: ۱۳۹-۱۵۲.

محمدی الیاسی، قنبر (۱۳۹۵)، تأملی بر انسجام دانش در حوزه میان‌رشته‌ای کارآفرینی، مقاله منتشر نشده.

معین، محمد، (۱۳۹۰) *فرهنگ لغت معین*، تهران، انتشارات پیشه.

وبر، ماکس (۱۹۶۸)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه: عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عماد زاده (۱۳۸۴)، تهران: انتشارات سمت.

Ács, Z. J., & Audretsch, D. B. (Eds.). (2003). Introduction to the handbook of entrepreneurship research, *Handbook of entrepreneurship research: an interdisciplinary survey and introduction*, international handbook series on entrepreneurship, volume 1, kluwer academic publishers, printed in Great Britain.

Alvarez, S. A., & Barney, J. B. (2005). How do entrepreneurs organize firms under conditions of uncertainty? *Journal of management*, 31(5): 776-793.

Audretsch, D.B. (2007), *The entrepreneurial society*, oxford: oxford university press.

Audretsch, David, and Roy Thurik, (2004), A Model of the Entrepreneurial Economy, *International Journal of Entrepreneurship Education*, 2(2): 143-166.

Bacon, Francis, (1620), *The new organon*, ed. by Jardine, Lisa, and Silverthorne. Michael, (2000), Cambridge University Press.

Baumol, W.J., (1990), Entrepreneurship: productive, unproductive and destructive. *Journal of Political Economy*, 98: 893-921.

Berggren, E., & Lindholm Dahlstrand, Å., (2009), Creating an entrepreneurial region: Two waves of academic spin-offs from Halmstad University. *European Planning Studies*, 17(8): 1171-1189.

Blumer, H., (1969), *Symbolic interactionism: perspective and method*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice – Hall.

Bygrave, W. D. (1989). The entrepreneurship paradigm (I): a philosophical look at its research methodologies. *Entrepreneurship Theory and practice*, 14(1): 7-26.

Bygrave, W. D., & Hofer, C. W. (1991). Theorizing about entrepreneurship. *Entrepreneurship theory and Practice*, 16(2): 13-22.

Cantillon, Richard, (1755), *An essay on economic theory*, Translated by Chantal Saucier, (2010), by the Ludwig von Mises Institute.

Cardon, M.S., Wincent, J., Singh, J., & Drnovsek, M. (2009). The nature and experience of entrepreneurial passion. *Academy of Management Review*, 34(3): 511-532.

Casson, M., & Casson, C. (2013). The entrepreneur in history: From medieval

- merchant to modern business leader. Springer.
- Casson, mark, (1982), *The entrepreneur: an economic theory*, USA: barnes and noble books.
- Davenport, T. H., & Beck, J. C. (2001). *The attention economy: Understanding the new currency of business*. Harvard Business Press.
- Fayolle, A. (2007). *Entrepreneurship and New Value Creation: The Dynamic of the Entrepreneurial Process*. New York, Cambridge University Press.
- Frese, M., E. Chell, et al. (2000). *Psychological approaches to entrepreneurship*, Psychology Press.
- Gartner, W. B. (1985). A conceptual framework for describing the phenomenon of new venture creation. *Academy of Management Review*, 10(4),696-706.
- Gartner, W.B. (1988), Who is the entrepreneur? Is the wrong question, *American Journal of Small Business*, 12: 11-32.
- Granovetter. M. S. (1973), The strength of weak ties. *American Journal of Sociology*. 78: 1360-1380.
- Herron, L., Sapienza, H. J., & Smith-Cook, D. (1992). Entrepreneurship theory from an interdisciplinary perspective: Volume II. *Entrepreneurship: Theory and Practice*, 16(3): 5-12.
- Herron. Lanny, Sapienza. Harry J., and Smith-Cook. Deborah, (1992), Entrepreneurship Theory from an Interdisciplinary Perspective; Volume II, *Entrepreneurship: Theory and Practice*. Spring, pp:5-11.
- Jackson, T. (2000). Questioning interdisciplinarity: Cognitive science, evolutionary psychology, and literary criticism. *Poetics Today*, 21(2): 319-347.
- Jacobs, H. H. (1989). *Interdisciplinary curriculum: Design and implementation*. Association for Supervision and Curriculum Development, 1250 N. Pitt Street, Alexandria, VA 22314.
- Kakabadse, N. K., Kakabadse, A., & Kouzmin, A. (2003). Reviewing the knowledge management literature: towards a taxonomy. *Journal of knowledge management*, 7(4): 75-91.
- Kirzner IM. (1997). Entrepreneurial discovery and the competitive market process: An Austrian approach. *Journal of Economic Literature*, 35(1): 60-85.
- Klein, Julie Thompson (2004), Interdisciplinarity and complexity: An evolving relationship, E: CO. Vol. 6(1-2): 2-10.
- Klein, Julie Thompson and William H. Newell (1998), Advancing Interdisciplinary Studies. Pp. 3-22 in *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*, William H. Newell, editor. New York: College Entrance Examination Board.
- Klein, Julie Thompson and William H. Newell. "Advancing Interdisciplinary Studies." Pp. 3-22 in *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*, William H. Newell, editor. New York: College Entrance Examination Board, 1998: 3.
- Klein. Thompson Julie, (1990), *Interdisciplinarity: history, theory and practice*,

- Wayne state university press.
- Kockelmans. Joseph J. (1975), *Interdisciplinarity and Higher Education*, Publisher Penn State Press.
- Matlay, H., and Carey.C., (2007), Entrepreneurship education in the UK: a longitudinal perspective, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 14(2): 252-263.
- McClelland, D. C. (1965). N achievement and entrepreneurship: A longitudinal study. *Journal of personality and Social Psychology*: 1(4), 389.
- Moran. Joe. (2002), *Interdisciplinarity*, Routledge.
- Newbould, P.J. (1975). Environmental Science at the New University of Ulcaster. Case Studies in Interdisciplinarity, (pp. 3-6). London: The Nuffield Foundation.
- Newell. William H., (2010), *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*, College Entrance Examination Board.
- Newell. William H., Szostak. Rick., (2005), *Facilitating interdisciplinary research*. Washington, DC: National Academies Press.
- Nicolaou, N., & Shane, S. (2009). Can genetic factors influence the likelihood of engaging in entrepreneurial activity?. *Journal of Business Venturing*, 24(1): 1-22.
- Olson, M. (1965). *The Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Parsons, T. (1966). *The structure of social action*, New York: Free Press.
- Parsons, T., Shils, E. A., (1962). *Toward a general theory of action*. Harvard university press.
- Pinchot, G. (1985), *Intrapreneuring: Why You Don't Have to Leave the Organization to Become an Entrepreneur*, New York: Harper and Row.
- Porter, M. E., & Kramer, M. (2011). *How to fix capitalism and unleash a new wave of growth*. Harvard Business School.
- Porter. A. L., Roessner. J. D., and Heberger. A. E., (2008), How interdisciplinary is a given body of research? *Research Evaluation*, 17(4):273-282.
- Repko. Allen F., (2011), *Interdisciplinary Research: Process and Theory*, SAGE Publications.
- Repko. Allen, Szostak. Rick, and Buchberger. Michelle. Philips., (2016), *Introduction to Interdisciplinary Studies*, 2nd ed. Thousand Oaks: Sage.
- Reynolds, P., Bosma, N., Autio, E., Hunt, S., De Bono, N., Servais, I., ... & Chin, N. (2005). Global entrepreneurship monitor: Data collection design and implementation 1998–2003. *Small business economics*, 24(3), 205-231.
- Rocha, h. and Birkinshaw, J. (2007). *Entrepreneurship safari: a phenomenon-driven search for meaning*. *Foundations and trends in entrepreneurship*, 3(3): 1-63.
- Sadler. Robert J. (2000), Corporate Entrepreneurship in the Public Sector: The Dance of the Chameleon, *Australian Journal of Public Administration*, 59(2): 25–43.

- Schumpeter, J. A. (1934), *The Theory of Economic Development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Schumpeter, Joseph A. (1949), economic theory and entrepreneurial history. {253-271}.
- Shane, S. (2000). Prior knowledge and the discovery of entrepreneurial opportunities. *Organization science*, 11(4): 448-469.
- Shane, S. A. (2003). A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus. Edward Elgar Publishing.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of management review*, 25(1): 217-226.
- Shapiro, A. (1984), The entrepreneurial event, in C. A. Kent, (ed), *The environment for entrepreneurship*. Lexington books: Lexington, MA, pp: 21-40.
- Squires, G. (1992). Interdisciplinarity in higher education in the United Kingdom. *European Journal of Education*, 201-210.
- Stember, Marilyn (1998), Advancing the Social Sciences through the Interdisciplinary Enterprise. Pp. 337-350 in *Interdisciplinarity: Essays from the Literature*, William H. Newell, editor. New York: College Entrance Examination Board.
- Stevenson . H . H ., & jarillo . j . c . , (1999) , A paradigm of entrepreneurship : entrepreneurial management , *Strategic Management Journal* , Summer , Special Issue, 11: 17 – 27.
- Stevenson.H., and jarillo. J. Carlos., (1990), A paradigm of entrepreneurship: entrepreneurial management, *Strategic management journal*, 11(5):17-27.
- Weber, M. (1930), *The protestant ethic and the spirit of capitalism*, London: Geoege Allen and Unwin.
- Wortman, M. S. (1987). Entrepreneurship: An integrating typology and evaluation of the empirical research in the field. *Journal of Management*, 13(2): 259-279.

Reflection on interdisciplinary nature of the field of entrepreneurship: Criteria and present situation

Ghanbar Mohammadi Elyasi

Abstract

Much of the effectiveness of training, research and creative activities of entrepreneurship is contingent on attention to the nature of entrepreneurship knowledge. Deep reflection on the type and nature of entrepreneurship knowledge is crucial for improving the effectiveness of entrepreneurship activities. There are two views on interdisciplinary nature of this field of study; Entrepreneurship as a body of fragmented and irrelevant knowledge, and Entrepreneurship as an immature interdisciplinary field. The purpose of this review, is to assess interdisciplinary nature of Entrepreneurship. The review of literature indicates that there are four criteria by which we could judge the nature of Entrepreneurship; subject matter, theoretical origin, knowledge integration and purpose of the field. Analytical assessments of the current state of Entrepreneurship that is based on the above-mentioned criteria state that Entrepreneurship has the characteristics of being an interdisciplinary field of knowledge, but still seriously need to evolve, especially in the criterion of "knowledge integration."

Keywords: Interdisciplinary nature of Entrepreneurship, knowledge integration, corporate Entrepreneurship (CE), CE research.